

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۹۵، اسفند ۱۴۰۲

آزادی زن در گرو آزادی جامعه (آسیب شناسی شعار زن، زندگی، آزادی)

توضیح "پیام فدایی": آنچه در زیر می‌آید متن صحبت‌های رفیق سهیلا در جلسه کلاب هاوس مورخ یکشنبه ۱۰ مارس ۲۰۲۴ می‌باشد که از طرف چریکهای فدایی خلق ایران در اتاق بذرهاى ماندگار به مناسبت ۸ مارس روز جهانی کارگر برگزار شد.

با درود به همه شما دوستان و رفقای عزیز!

روز جهانی زن گرامی باد بر شما و همه زنان کارگر و زحمتکش آگاه و مبارز.

صحبت‌هایم را با گرامیداشت یاد زنان و مردان انقلابی و دخترهای نوجوان و پرشهامت خلق‌های ایران شروع می‌کنم به یاد آن انسان‌های پرشوری که قربانی جنایات بی‌شمار جلادان رژیم شدند. یاد فرزندان پاک خلق گرامی باد.

امسال روز جهانی زن را زنان مبارز ایران در شرایطی پشت سر گذاشتند که با اینکه جمهوری اسلامی جنایتکار بسیاری از زنان و مردان مبارز را در خیزش ۱۴۰۱ به وحشیانه‌ترین شکلی سرکوب کرد و حالا هم به اعدام روزانه جوانان زندانی مشغول است و بسیاری از دستگیر شدگان هنوز جزو ناپدیدشدگان هستند، و با اینکه جنبش تا حد زیادی به دلیل این سرکوب‌ها (و عوامل دیگر) فروکش کرده، اما هنوز زنان و دخترهای نوجوان جسورانه به سرپیچی از مقررات ارتجاعی رژیم ادامه می‌دهند، با اینکه می‌دانند که این سرپیچی ممکن است برایشان عواقب سنگین داشته باشد.

فکر می‌کنم که امروز برای گرامیداشت روز جهانی زن و گرامیداشت یاد آن جوان‌های مبارز بهترین شیوه این باشد که در اینجا به چگونگی باز کردن گره‌ای از گره‌های جنبش انقلابی زنان ایران بپردازیم و به طور مشخص بپردازیم به "آسیب شناسی" شعار "زن، زندگی، آزادی" که یک شعار مبهم است که توسط دشمنان مردم در جنبش جاسازی شده و شعار انقلابی "آزادی زن در گرو آزادی جامعه است" را به عنوان یک شعار محوری واقعی مورد تاکید قرار بدهیم. این شعار انقلابی یکی از شعارهای مهم اولین تظاهرات اعتراضی وسیع زنان علیه حجاب اجباری در تظاهرات ۸ مارچ ۱۳۵۷ بود و امروز نیز باید شعار محوری جنبش انقلابی زنان تحت ستم ایران باشد. در اطلاعیه این مراسم امروز هم عکسی از تظاهرات زنان در مشهد هست که این شعار را روی بنری نوشته‌اند که در تظاهرات حمل می‌کنند.

در رابطه با شرایط ایران، یکی از سوال‌هایی که مطرح می‌شود و کاملاً به بحث ما ربط دارد، این است که چرا مردم هنوز پیروز نشده‌اند؟ چرا مردمی که در طول چهل سال گذشته همیشه برای رسیدن به خواست‌های انقلابی‌اشان به خیزش‌های کوچک و بزرگ متعددی دست زده و با رژیم جنایتکار مبارزه کرده‌اند، هنوز پیروز نشده‌اند؟

در پاسخ به این سوال می‌توان گفت که دلیل اصلی شکست مردم، سرکوب شدید آنها توسط رژیم بوده.

در رابطه با سرکوب مردم توسط رژیم، اگر خیزش انقلابی ۱۴۰۱ را در نظر بگیریم، می‌بینیم که دشمنان مردم در این جنبش علاوه بر سرکوب فیزیکی به صورت کاملاً برجسته از طریق به اصطلاح "سرکوب نرم" نیز با مردم مقابله کردند. دشمن با ایده پراکنی و مهندسی افکار و به طور مشخص از طریق "مهندسی شعارها"ی جنبش، تلاش کرد که جنبش را از مسیر انقلابی اش منحرف کند. در این رابطه بود که یک شعار انحرافی، مبهم و قابل تفسیر، یعنی شعار "زن، زندگی، آزادی" را با تبلیغات بسیار گسترده (در سطح جهان) در درون جنبش جاسازی کردند. یعنی شعار "زن، زندگی، آزادی" که معنی و پیام روشن و واضحی

ندارد، ناگهان بردند روی آنتن و رسانه‌ای شد! چرا هیچکدام از آن همه شعارهای مشخصی که مردم در جنبش برای تحقق خواسته‌های طبقاتی خود سر دادند، در رسانه‌های جهانی مطرح نشدند، اما امپریالیست‌ها آن همه تبلیغات صرف آن شعار مبهم کردند؟

خب، همه ما دیدیم که در جنبش ۱۴۰۱ زنان و به خصوص دختران جوان حتی بیشتر از جنبش‌های قبلی با شور و شجاعت تمام در آن شرکت کردند. شاهد حضور زنانی بودیم که مرگ را به سخره گرفته بودند و با شور و شوق انقلابی در مقابله‌ی قهرآمیز با دژخیمان رژیم جان تازه‌ای به انقلاب شکوهمند توده‌های مبارز مردم بخشیدند.

دشمنان می‌دیدند دختران جوان انقلابی نمادهای زیبای انقلاب هستند. در این جنبش دختران جوان آگاه و ثابت قدمی حضور داشتند که به چشم‌هایشان مزدوران رژیم با گلوهای ساچمه‌ای شلیک کرده و آنها را کور کرده بودند. اما با این همه آنها می‌گفتند "چشم که چیزی نیست، برای آزادی جانم را هم فدا می‌کنم" و یا آن مادری که با زبان خودش در تجلیل از مبارزه قهرآمیز می‌گفت "دختر جان، زمانی می‌رسد که آرد نانی که می‌خوریم از آسیابی آمده باشد که مردم چرخ‌هایش را با خون این دژخیمان به حرکت درآورده باشند و فقط آن زمان، می‌تونی بگی که واقعا آزاد شده‌ایم". وقتی دشمنان مردم (در صدر آنها امپریالیست‌ها) دیدند که این نوع زنان، نماد مبارزه شده‌اند، از این واقعیت سوء استفاده کردند و در چهارچوب شرایطی که زنان مبارز به چنین مقامی در جامعه‌ی انقلابی رسیده بودند، شعاری را که فقط در ظاهر اسم "زن" در آن قرار دارد اما از نظر محتوی قابل تفسیر و بدون هیچ ارزش و ماهیت انقلابی است با زور تبلیغات گسترده در درون جنبش جاسازی کردند. دشمنان مردم با این شعار مبهم یک نوع اتحاد تصنعی و همبستگی خیالی در میان افرادی (عمدتا در جوامع ایرانی خارج از ایران) ایجاد کردند، افرادی که به شکلی در اثر زرق و برق تبلیغات امپریالیستی دچار کوری و کری سیاسی شده بودند. زیرا که هر کدام از آنها به نوعی خواسته‌های خودشان را در آن شعار مبهم تصور می‌کرد. البته یادآوری می‌کنم که ما هر فردی را که این شعار را تکرار کند را ضدانقلاب و یا دشمن نمی‌دانیم. بسیاری از این افراد کسانی هستند که از احساسات و همدردی‌هایشان با مردم مبارز ایران سواستفاده شده است و آنها صرفا از روی احساسات است که آن شعار را سر داده‌اند و ما این ایرانیان را جزو صف انقلاب می‌دانیم. اما تاکید می‌کنیم که "احساسات" سنگ بنای خوبی برای فعالیت مبارزاتی نیست. و البته خاصیت اتحادهای خیالی، ذات ناپایدار آنهاست.

این شعار انحرافی را عبدالله اوجالان (رهبر پ.ک.ک) در اواخر دهه ۱۹۹۰ در رابطه با جنبش زنان سوریه مطرح کرده بود. و اولین بار در ایران توسط فردی ناشناس (که احتمال دارد از طرفداران اوجالان بوده) در مراسم دفن زنده یاد ژینا سر داده شد و برخی افراد در میان مردم نیز که در آن فضای دردناک برای سوگواری بر مزار ژینا جمع شده بودند، بدون اینکه درک مشخصی از آن شعار داشته باشند، آن را تکرار کردند. رسانه‌های امپریالیستی نیز با تکیه بر این امر، به رواج شعار مزبور پرداختند. یک گفتمان‌های انحرافی و غیرانقلابی مانند "انقلاب زنانه" نیز (که هم ردیف نظرات مضحک اوجالان نظراتی مانند علم زن شناسی یا «ژنولوژی» است) همراه با شعار انحرافی مزبور در جنبش جاسازی شد.

شعارهای واقعی جنبش‌ها هرگز شعارهایی نیستند که به این شیوه (توسط افرادی از خارج جنبش) به جنبش تحمیل شده باشند، آنهم با هزاران تبلیغات عوامفریبانه امپریالیست‌ها، امپریالیست‌هایی که نمایندگان دولت‌هایشان در مجالس قانون گذاری شان مزورانه گیس خودشان را می‌بریدند که وانمود کنند مدافع زنان ایران هستند. اما از در پشتی می‌رفتند مذاکرات و معاملات اقتصادی‌شان را با جمهوری اسلامی ادامه می‌دادند. شعارهای واقعی جنبش‌های انقلابی (آنطور که در جریان جنبش‌های مردمی شاهد بودیم) در درون خود آن جنبش‌ها توسط توده‌های انقلابی و روشنفکران آگاه و چپ، منطبق بر مراحل مختلف مبارزه و در رابطه با هدف و پیامی که در آن مرحله از مبارزه می‌خواهند منتقل کنند، ابداع می‌شدند. درحالی‌که شعار اوجان هیچ ربطی به ماهیت خیزش انقلابی مردم ایران ندارد.

مردم انقلابی در طول مبارزات پی در پی خود می‌آموزند که دو نوع شعار متفاوت "انقلابی" و "غیرانقلابی" را از هم تشخیص بدهند و تفکیک کنند. شعارهای انقلابی به مثابه یکی از ابزارهای تبلیغ و ترویج و پیام‌رسانی و آگاهی‌دهنده عمل می‌کنند و نمایی کلی و به روز شده از خواسته‌ها و اهداف و چشم‌اندازهای مردم درون جنبش را نشان می‌دهند و به ایجاد زمینه‌های لازم برای پیروزی انقلاب کمک می‌کنند. به عنوان مثال شعار "سقف و کتاب و گندم، قدرت به دست مردم" توسط خود مردم انقلابی ایران ابداع شد که خواست ضروری تامین نان و مسکن را با ضرورت رشد آگاهی در میان نیروهای درون انقلاب که منجر به تشکل و رهبری و کسب قدرت سیاسی انقلابی طبقه آگاه کارگر خواهد شد را بیان می‌کند. همین یک شعار به نوبه خود بیانگر آن است که زنان و مردان مبارز ایران می‌دانند که پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خواهان چه نوع جامعه‌ای هستند.

شعارهای طبقاتی-کمونیستی مانند "سوسیالیسم یا بربریت" که توسط دانشجویهای شهرهای مختلف روی پلاکاردها نوشته شد و شعار "زنده باد سوسیالیسم" که در کردستان سر داده شد، با پیوندهای واقعی و مستقیمی که با شرایط زندگی و خواسته‌های مردم دارند، به ایجاد و رشد آگاهی‌های حقیقی کمک می‌کنند. اما شعار مبهم و قابل تفسیر اوجالان چنین هدفی را دنبال نمی‌کند.

برخی شعارهای انقلابی نیز با هدف از میان برداشتن زمینه‌های افتراق (افتراق‌هایی که دشمن ایجاد کرده) در درون جنبش سر داده می‌شوند. شعارهایی مانند "اتحاد، اتحاد" که از قدیم در قیام‌های مردم ایران بوده. و شعار "بلوچستان، کردستان، چشم و چراغ ایران" که در نقاط مختلف ایران برای همبستگی با مردم بلوچستان در مقابل حملات وحشیانه رژیم سر داده شد. این نوع شعارها بر همبستگی و اتحاد مردم ایران تأکید داشتند. اما اگر خوب توجه کنیم شعار "زن، زندگی، آزادی" اوجالان (برعکس شعارهای انقلابی ای که مثال زدیم) به نوعی برای ایجاد نفاق میان مردم مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، برخی از زنان که خودشان را فمینیست می‌خوانند، زور و تلاش زیادی به خرج می‌دهند تا شعارهای طبقاتی-انقلابی کمونیست‌ها را عقب بزنند و به جایش این شعار اوجالان را به جنبش قالب کنند. آنها در این رابطه به تحریف تاریخ جنبش انقلابی چپ هم دست زده‌اند. بعداً در پرسش و پاسخ اگر وقت شد بیشتر در این رابطه توضیح خواهم داد.

مثال دیگری می‌زنم از شعارهای انقلابی، شعارهای واضحی مثل "معلم بیدار است، از شاه و شیخ بیزار است"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، خواسته‌های مشخص قشرهای خاصی در درون جنبش را بیان می‌کنند. در حالی که در شعار جاسازی شده‌ی "زن، زندگی، آزادی" اصلاً حرف مشخصی زده نمی‌شود، چه برسد به اینکه خواسته‌ای از خواسته‌های بی‌شمار زنان و یا قشر دیگری از مردم تحت ستم را منعکس کند.

باید تأکید کنم که بسط شعارهای واضح انقلابی که خواسته‌های همه اقشار تحت ستم را پوشش بدهند می‌تواند به تقویت جنبش‌های مردمی کمک کنند و در خدمت رهایی کودکان کار، کولبران، دست‌فروشان، فعالین محیط زیست، زنان و غیره قرار بگیرد. اما نقش آن شعار مبهم‌کنندگی فقط ایجاد گیجی و سردرگمی سیاسی و نظری است. وقتی از کسانی که از آن شعار طرفداری می‌کنند، می‌پرسی که خب، این شعار چی میگه؟ معنیش چیه؟ جواب می‌دهند که "برای من ... اینه و اونه" آرزوهایی را از درون تخیلاتشان می‌کشند بیرون و چیزهایی می‌گویند که به طور واقعی و واضح در این شعار نیست، در هواست، از هوا می‌گیرند می‌چسبانند به این شعار.

شعارهای انقلابی دیگری مثل "وای به روزی که مسلح شویم" قدم‌های بعدی انقلاب را به روشنی مشخص می‌کنند و با این روش پیوند مستقیمی میان اقدامات نیروهای درون جنبش با پیروزی انقلاب ایجاد می‌کنند. اما بدون تفسیرهای دلخواهی، نمی‌توان هیچ هدف انقلابی در شعار "زن، زندگی، آزادی" دید.

یک مثال دیگر می‌زنم. همه ما دیدیم که توده‌های مردم آگاه و از جمله زنان مبارز با شعارهای انقلابی و ابتکاری مثل "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" چه ضربات جانانه به دشمنان فریبکارشان زده‌اند. اما شعار جاسازی شده "زن، زندگی، آزادی" نه تنها ضربه‌ای به دشمن نمی‌زند، در واقع خودش هم ضربه‌ای است که دشمنان و نوکران مرتجع آنها و همچنین ساده اندیشان سیاسی به زنان و جنبش انقلابی‌اشان زده‌اند. بعدها درجه کاری بودن این ضربه هر چه بیشتر معلوم خواهد شد.

با شعارهایی مانند "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر جمهوری اسلامی" و همانطور که الان مثال زدم شعار "وای به روزی که مسلح شویم" مردم انقلابی علیه کلیت رژیم روشنگری می‌کنند و راه صحیح انقلاب و خواست سرنگونی انقلابی رژیم را اعلام می‌کنند. و دشمنان مردم درست در تقابل با چنین شعارهایی است که شعارها و گفتمان‌های ضدانقلابی مانند "مبارزه‌ی خشونت پرهیز" را ترویج می‌کنند و شعار "زن، زندگی، آزادی" را علم کردند که نه تنها راهی برای مبارزه نشان نمیدهد بلکه سعی در انحراف جنبش از راه و هدف اصلی‌اش دارد. این واقعا ضربه زدن به توده‌های مردم انقلابی است.

در خیزش ۱۴۰۱ شعارهای ابتکاری و انقلابی جدیدی هم برای از بین بردن توهمات که دشمن ایجاد می‌کند، ابداع شدند. به عنوان مثال، شعار "نه نون داریم نه خونه، حجاب شده بهونه" یا "حجاب فقط بهانه است، کل نظام نشانه است!" را مردم در پاسخ به **تبلیغات ضدانقلاب** ابداع کردند، ضدانقلابی که وانمود می‌کند **مسئله اصلی مردم حجاب** است. واضح است که خواست رفع حجاب اساسا یک خواست مهم زنان کارگر و زحمتکش‌شان از کشاورزان گرفته تا پرستاران است. زیرا که مخالفت زنان کارگر و زحمتکش با حجاب، از جنبه حفظ جان و سلامتی‌شان در کارخانه و بیمارستان و آزمایشگاه و کوه و دشت و ... است. پس زنان کارگر و زحمتکش بیش از همه اقشار و طبقات دیگر از حجاب اجباری صدمه می‌بیند. اما اگر این خواست برای زنان طبقه سرمایه دار، خواست اصلی و اساسی شمرده می‌شود، برای زنان طبقه کارگر و زحمتکش تغییر شرایط اسفبار زندگی و گرسنگی و فقر و بی‌خانمانی و دیگر محرومیت‌های زندگی‌شان خواسته‌های اصلی و اساسی هستند.

با توجه به این مقایسه‌هایی که بین شعارهای انقلابی و شعار "زن، زندگی، آزادی" انجام شد، می‌بینیم که شعار "زن، زندگی، آزادی" به مثابه یک نمونه از شعارهای جاسازی شده توسط دشمن، ذاتا شعاری علیه انقلاب است که در خدمت اشاعه ناآگاهی و ایجاد سردرگمی نظری و منحرف کردن مسیر انقلاب مطرح و برجسته شده است. این شعار برخاسته از انقلاب و بیان کننده خواسته‌های واقعی انقلابیون نیست، بلکه نتیجه‌ی سوءاستفاده دشمن از واقعیات درون جامعه و از ریخت انداختن خواسته‌های واقعی انقلابیون توسط دشمن است. در واقع دشمن همیشه تلاش می‌کند که شعارهای انقلابی و کاری مردم را معیوب کند و از کار بیاندازد. در این رابطه یک مثال می‌زنم از معیوب کردن شعارهای مردم توسط دار و دسته خمینی در سال ۵۷. حتما یادتان هست که یکی از شعارهای محوری انقلاب ۵۷ "**استقلال، آزادی**" بود. شعار محوری به مثابه یک نماد نظری و ایدئولوژیک و سیاسی در جنبش انقلابی عمل می‌کند و توده‌های مردم آگاه، بنا بر آگاهی‌اشان از وابستگی رژیم شاه به امپریالیست‌ها و آگاهی‌اشان در رابطه با رویدادهای تاریخی مانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌دانستند که امپریالیست‌ها دشمن واقعی‌اشان هستند و می‌دانستند که بدون مبارزه برای پایان دادن به سلطه امپریالیست‌ها در ایران نمی‌توان به طور واقعی تغییری اساسی در جامعه ایجاد کرد و از فقر و فلاکت و استثمار نجات یافت. از این رو، مردم در سال ۵۶ و ۵۷ شعار محوری "**استقلال؛ آزادی**" را سر می‌دادند. اما دارو دسته مرتجع خمینی با هدف شکست دادن مردم، عبارت "**جمهوری اسلامی**" را که یک شعار غیرمردمی و معرف یک نوع حکومت ناشناخته مذهبی برای مردم بود به آن شعار مردمی اضافه کردند و آن شعار انقلابی را معیوب کرده و از کار انداختند و تبدیلی کردند به شعاری نامفهوم و حتی ضدانقلابی. امپریالیست‌ها هم اینطور تبلیغ کردند که مردم ایران جمهوری اسلامی می‌خواهند.

سخنانم را خلاصه کنم. زنان (و مردهای) جوان انقلابی و پرشهامت در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ با شعارهای انقلابی و همچنین با اعمالشان نشان دادند که از آگاهی مبارزاتی والائی برخوردار هستند و همچنین هیچ تردیدی در اعمال خشونت انقلابی علیه دشمن ندارند. شکوه جنبش ۱۴۰۱ از آن جهت بود که ادامه جنبش‌های کوچک و بزرگ قبلی بود و دربرگیرنده تجارب و دست آوردهای مبارزات پیشین مردم بود و همچنین فراگیرتر و پرمحتواتر از قبل بود. مردم انقلابی در این جنبش (که علاوه بر اینکه طبقات و قشرهای گسترده‌ای را در بر می‌گرفت، مشخصه مهم‌اش حضور پر شور زنان جسور انقلابی بود) هدف خودشان برای سرنگونی و نفی کامل رژیم را برجسته تر از همیشه فریاد زدند. قدرت زیاد این جنبش و پتانسیل پیشروی گسترده و سریع آن به دلیل همین خصوصیات و دستاوردهای آن بود. از این جهت بود که دشمنان مردم ابزارهایشان را علیه این جنبش انقلابی تیز کردند و دستاوردهای جنبش را مورد حمله قرار دادند و همانطور که مطرح شد یکی از سلاح‌هایی که دشمن برای این حمله به کار گرفت، جاسازی کردن شعارهای مبهم و فاقد صراحت و شفافیت طبقاتی در صدر جنبش بود. در هر جنبشی نقاط عطفی رخ می‌دهند که از یک طرف مردم انقلابی و روشنفکرانشان و از طرف دیگر دشمنان آنان تلاش می‌کنند که از آن نقطه عطف با پیروزی عبور کنند. دشمن تلاش می‌کند، جنبش انقلابی را از ریل خارج کند. توده‌های مردم انقلابی و روشنفکران انقلابی‌اشان باید ضربات دشمن را خنثی کنند و اجازه ندهند که دشمن انقلاب را از مسیر اصلی‌اش خارج کند. یکی از چیزهایی که می‌تواند به این امر کمک کند، دادن شعارهای مناسب در هر مرحله از جنبش است و همچنین انتشار بیانیه‌هایی که همه خواسته‌ها و اهداف برحق همه قشرهای درون جنبش را به روشنی بیان کنند. از طرف دیگر باید قاطعانه با تلاش‌های دشمن و نیروهای سازشکار برای اشاعه شعارهای انحرافی و از جمله شعار بی محتوا و تفسیر پذیر زن، زندگی، آزادی مبارزه کنند، و در همان حال به توضیح و تشریح واقعیت‌های جوامع طبقاتی و جامعه سرمایه‌داری ایران پرداخته و نشان دهند که چرا آزادی زن در گرو آزادی جامعه می‌باشد.

خب: امیدوارم خسته‌اتان نکرده باشم. سخنان زیادی در رابطه با تجارب و خصوصیات و دیگر جنبه‌های مهم خیزش انقلابی ۱۴۰۱ هست و این که دشمن با شعار زن، زندگی، قصد وارد آوردن چه آسیب‌هایی به جنبش انقلابی مردم را دارد که در اینجا فرصت نیست به همه آنها بپردازم. اما امیدوارم که در بخش پرسش و پاسخ این موضوعات را بیشتر توضیح بدهم.

با امید به پیروزی توده‌های مردم انقلابی ایران و با امید به موفقیت زنان طبقه کارگر و همه زنان تحت ستم ایران در مقابل رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی و امپریالیست‌های مدافع این رژیم! برایتان پیروزی آرزو می‌کنم.

توضیح: در بخش پرسش و پاسخ توضیحات زیر از طرف رفیق سخنران داده شد:

در رابطه با اینکه فمنیست‌ها چطور از فضای که در چهارچوب شعار "زن، زندگی، آزادی" ایجاد شده، برای ایجاد نفاق میان خلق و فرزندان آگاه خلق (یعنی کمونیست‌ها) استفاده می‌کنند، یک مثال می‌زنم. اخیراً دیدم که یک خانم فمنیست در مصاحبه و گفتگویی ادعا کرد که کمونیست‌ها (و مردهای کمونیست) از تظاهرات ۸ مارس سال ۵۷ (که اولین اعتراضات مردم علیه حجاب اجباری بود) حمایت نکردند. او جریانات سیاسی سازشکار آن دوره را به نام کمونیست جا زد و این واقعیت را لایوشانی کرد که اکثر زنان شرکت کننده در آن تظاهرات گرایش چپ داشتند و کمونیست بودند. یعنی برپا کنندگان آن جنبش نیروهای متعلق به کمونیست‌ها بودند. اتفاقاً مردان کمونیست نیز به حمایت از این جنبش برخاسته و حتی به مقابله با حزب اللهی‌ها می‌پرداختند. در واقع اون خانم فمنیست با پروپی توی چشم ما که بازماندگان دخترهای دانش آموز چپ هستیم که آن تظاهرات را ۵ یا ۶ روز ادامه دادیم، آن واقعیت تاریخی را تحریف کرد. همین خانم‌های فمنیست (که البته آن زمان اسم‌های دیگری داشتند، مثل وکلای توده ای، کارمندان وزارت خانه‌ها که ادعای هواداری از سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران را داشتند و بعدها اکثریتی شدند و حالا برخی از آنها را من در کانادا و آمریکا می‌بینم که از این ادعاهای دروغ دارند) در روز چهارم که طالقانی با فریبکاری

اعلام کرد که خمینی منظورش حجاب اختیاری بوده نه حجاب اجباری. این خانم‌هایی که الان فمنیست‌های دروغگو هستند، تحصن‌ها را شکستند و اطلاعاتیه دادند که دانش آموزان دیگه تظاهرات نکنند. گفتند به هدفشان رسیده‌اند. اما ما دانش آموزان کمونیست یک روز دیگه هم ادامه دادیم و خود من با تعدادی از همکلاسی‌هایم در محوطه دانشگاه تهران جمع شدیم که دوستم هم از دار و دسته زهرا خانم فالانژ چاقو خورد و شکمش را پاره کردند. حالا علاوه بر تبلیغات امپریالیست‌ها برای شعار کزایی زن، زندگی، آزادی این قبیل زنان هم برای غالب کردن آن شعار به تحریف تاریخ هم پرداخته اند.